

جایگاه رهن دین در سرمایه‌گذاری و تأمین منابع مالی با نگاهی اجمالی به رهن دین در صنعت نفت

محمود باقری *

زهرا گودرزی **

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۱۱

چکیده

امروزه روابط تجاری پیچیده بین‌المللی مقتضیاتی به همراه دارد که هر نظام حقوقی برای داشتن اقتصادی پویا باید بتواند با انعطاف‌پذیری کافی اجازه ورود مفاهیم جدید را بدهد. یکی از این مفاهیم که امروزه در قراردادهای بین‌المللی تأمین منابع مالی پذیرفته شده است، به وثیقه‌گذاران درآمدهای آتی پروژه‌هاست که در حقوق ما ذیل مفهوم «رهن دین» جای می‌گیرد. با توجه به ممنوعیت رهن دین در قانون مدنی، این پرسش مطرح می‌شود که آیا نظام حقوقی ما تاب پذیرش «رهن دین» را دارد؟ به بیان دیگر، آیا می‌توان دین را متعلق حق عینی قرارداد؟

کلیدواژگان:

حق عینی، درآمدهای آتی، رهن دین، قراردادهای تأمین منابع مالی در صنعت نفت، وثیقه.

* دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.

Mahbagheri@ut.ac.ir

** دانش‌آموخته دکتری، حقوق نفت و گاز، دانشگاه تهران

Zgoudarzi42@Yahoo.Com

مقدمه

امروزه پیچیدگی روابط تجاری و گستردگی بازرگانی در صحنه‌های داخلی و بازارهای بین‌المللی موجب شده است که برخی نظام‌های حقوقی و قراردادی توسعه یابد و مفاهیم و مصادیق آنها از شکل سنتی آن خارج شود تا با پیشرفت‌های جهانی انطباق یابد. یکی از نظام‌های مهم و تأثیرگذار حقوقی که امروزه از ماهیت ابتدایی خود جدا شده و با اقتصاد و بازرگانی درآمیخته است، نظام حقوقی رهن است. امروزه انعطاف‌پذیری و تطابق قوانین و مقررات حاکم بر رهن، نقش مستقیمی در پویایی اقتصاد و تجارت در کشورها ایفا می‌کند.

یکی از نشانه‌های اقتصاد پویا، رونق روابط تجاری، داد و ستدهای داخلی و بین‌المللی و سرمایه‌گذاری‌ها در صنایع مهم است. با توجه به سرمایه‌های عظیمی که در تجارت‌های بزرگ مورد استفاده قرار می‌گیرند، افزون بر اهمیت ریسک سرمایه‌گذاری، امنیت آن، نرخ‌های بازگشت سرمایه و سود متعلقه، وثایق نیز برای سرمایه‌گذار اهمیت دارد. سرمایه‌گذار می‌خواهد به نحوی اطمینان خاطر یابد که اصل سرمایه و سود قابل قبولی را طی شرایطی مناسب و در زمانی مورد پذیرش، دریافت خواهد کرد. در اینجا است که انعطاف‌پذیری نظام رهن در یک کشور نقش مهمی ایفا می‌نماید. اگر نظام قانونی رهن محدود به تعاریف سنتی و درگیر موانع حقوقی بسیاری باشد، اطمینان خاطر برای سرمایه‌گذار به همراه نخواهد داشت و این عملاً موجب رکود اقتصادی و اختلال در روابط تجاری می‌شود.

امروزه با توجه به حجم سرمایه‌گذاری‌ها و پیچیدگی‌های روابط در بازارهای داخلی و خارجی، انتظار می‌رود که رهن محدود به «عین» نباشد و مطالبات تأییدشده، یا حساب‌های دریافتنی^۱ را نیز دربرگیرد. اقتضای بازارهای پیشرفته امروزی این است که به‌نحوی مطمئن و منطبق با مقتضیات موجود، به صاحب سرمایه اطمینان داده شود که سرمایه‌وی بازگشت خواهد یافت. مبالغ عظیم این سرمایه‌ها به‌گونه‌ای است که وثایق ملکی یا به شکل عین معین، مانند سابق دیگر جوابگوی این روابط تجاری نیست. به همین دلیل است که امروزه نظام‌های حقوقی پویا به انعطاف‌پذیر نمودن نظام سنتی رهن در قوانین خود می‌پردازند.

۱. جایگاه رهن دین در قراردادهای تأمین منابع مالی

به‌طور سنتی، اعتبار وام‌گیرنده نقش اساسی در تصمیم‌وام‌دهنده برای اعطای وام دارد. در گذشته، تجار معتبر و خوش‌حساب که در بازار دارای تجارتی مطمئن و پایدار بودند، به‌راحتی می‌توانستند از بانک‌ها یا دیگر تجار وام بگیرند یا حتی با تضمین تجار دیگر، اعتبار تجاری خود را وثیقه بازپرداخت وام آنها قرار دهند. امروزه با رشد تجارت و ایجاد بازارهای متعدد و پیچیده اقتصادی، اخذ وام به‌سادگی گذشته نیست. ریسک بالای سرمایه‌گذاری در بسیاری از پروژه‌ها باعث می‌شود که اعتبار شخصی تجار به تنهایی برای اخذ وام کفایت نکرده و تأمین‌کنندگان مالی به دنبال وثایقی باشند که اطمینان‌بخشی بیشتری داشته باشد.

یکی از رایج‌ترین وثایق در تأمین منابع مالی، «درآمدهای آتی» پروژه است. انتخاب چنین وثیقه‌ای به دلیل همسو کردن وضعیت وام‌گیرنده و وام‌دهنده و ایجاد راه‌حلی برای پیشبرد پروژه‌هاست. توضیح آنکه در زمان اخذ وام، معمولاً متقاضی منابع کافی برای تضمین بازپرداخت وام خود ندارد، چراکه اگر چنین منابعی در اختیار داشت، نیاز به اخذ وام نبود و می‌توانست پروژه مورد نظر خود را شروع نماید. از سوی دیگر، تأمین‌کننده مالی نیز تمایلی ندارد بدون وجود تضمینی که حداقل بازگشت اصل سرمایه خود را تضمین کند، اقدام به اعطای وام نماید. بنابراین در چنین شرایطی، یکی از راه‌حل‌های رایج، به‌وثیقه‌گذاران درآمدهای پروژه است. در این صورت، تأمین‌کننده مالی به مطالعه و بررسی اقتصاد پروژه می‌پردازد و در صورت تأیید سودآور بودن آن، به اعطای وام اقدام می‌کند.^۲

در این شرایط، اگر نظام حقوقی رهن نتواند بر چنین وثایقی صحنه بگذارد و مقررات آن را وضع کند، مانعی عظیم در رشد و توسعه اقتصاد ایجاد کرده است.^۳ همان‌طور که مشخص است، «درآمدهای آتی» پروژه به‌عنوان رهن، نه عین است و نه به قبض مرتهن درمی‌آید. به همین

۱. Bazinas, Spiro, ۱۹۹۸، صص ۳۱۵-۳۵۸.

۲. Amoah, Nana, and Arundhati, Ra, ۲۰۰۹، ص ۱.

۳. در خصوص درآمدهای آتی، در سال ۲۰۰۱ کنوانسیون در سازمان ملل تصویب شده که اگرچه موضوع اصلی آن «واگذاری» است، اما از محتوای آن برای فهمیدن مفهوم حساب‌های دریافتی می‌توان استفاده نمود که درآمدهای آتی از آن جمله است. کنوانسیون مزبور تحت عنوان «کنوانسیون سازمان ملل درخصوص واگذاری حساب‌های دریافتی در تجارت بین‌الملل» (International Assignment of Receivables in on the Nations Convention) می‌باشد.

دلیل است که باید نظام حقوقی رهن مطالعه و بررسی شود که آیا حقوق ما تاب پذیرش چنین مفاهیمی را دارد؟

۲. جایگاه رهن دین در قراردادهای تأمین منابع مالی در صنعت نفت

صنعت نفت به عنوان یکی از صنایع مادر و زیربنایی، برای انجام پروژه‌های خود به سرمایه‌های زیاد و قابل توجه نیاز دارد. لذا بحث تضامین نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آنچه در این قسمت به اجمال به آن پرداخته می‌شود، تأثیر حقوق رهن بر وثایق مورد استفاده در صنعت نفت است.

درآمد آتی پروژه‌های صنعت نفت، محصول تولیدشده در اثر آن پروژه است. در پروژه‌های بالادستی، نفت، گاز، میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی تولیدشده از میدان و در پروژه‌های پایین‌دستی، مانند ساخت پالایشگاه، فرآورده‌های تولید شده در آن می‌باشد. با توجه به هزینه‌بر بودن این پروژه‌ها و ریسک بالای آنها به‌ویژه ریسک موجود در پروژه‌های بالادستی، تقریباً کلیه تأمین‌کنندگان داخلی و خارجی منابع مالی ترجیح می‌دهند که درآمدهای آتی پروژه را به‌عنوان وثیقه وامی که اعطا می‌نمایند، داشته باشند.

امکان دیگری نیز در صنعت نفت متصور است و آن به‌وثیقه گرفتن درآمدهای آتی قراردادهای فروش نفت خام، میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی (قراردادهای فروش) در ازای تأمین منابع مالی برای دیگر پروژه‌هاست. درجایی که درآمد پروژه مورد بحث قابل وثیقه‌گذاری نیست یا وام موردنظر برای پروژه خاصی دریافت نمی‌گردد، تأمین‌کنندگان مالی تمایل دارند درآمد آتی قراردادهای فروش را که به نوعی درآمدهایی تضمینی و مطمئن می‌باشند، به‌وثیقه بگیرند.

با عنایت به مراتب یادشده، مشخص است که حقوق رهن در صنعت نفت جایگاه تعیین‌کننده‌ای دارد و با امکان تأمین منابع مالی پروژه‌ها درآمیخته است. اگر نظام حقوقی رهن ما جوابگوی نیازهای صنعت نفت نباشد و نتواند خود را با مناسبات و مقتضیات بین‌المللی تطبیق دهد، صنعت نفت در جذب منابع مالی لازم به منظور انجام پروژه‌های خود با دشواری‌های اساسی روبه‌رو خواهد شد.

۳. رهن دین و بررسی جایگاه قانونی آن

«رهن دین عقدی است که به موجب آن بدهکار طلب خود را از دیگری، وثیقه بدهی خود قرار می‌دهد تا در صورت عدم پرداخت دین در سررسید یا تعذر پرداخت، بستانکار قادر به استیفای طلب خود از محل رهینه باشد»^۱. همان‌طور که مشخص است، منظور از «رهن دین» در حقیقت به‌رهن‌گذارند «مطالبات» مدیون از اشخاص ثالث در قبال بدهی مدیون است. امروزه رهن دین در اقتصاد و نظام بانکی نقش چشمگیری دارد. پیچیده شدن روابط تجاری و سرمایه‌های کلانی که مورد استفاده قرار می‌گیرد، باعث تغییر مناسبات تجاری ساده گذشته شده و در نتیجه نیاز به اعتبار نظام حقوقی رهن دین را بیش از پیش کرده است. به‌عنوان مثال، در تأمین مالی پروژه‌های عظیم و سرمایه‌بر، ارزش مالی تضامینی که مناسب با قیمت تسهیلات مالی اعطایی باشد، آن قدر زیاد است که امکان دارد متقاضی تسهیلات نتواند به اشکال سنتی آن را فراهم نماید. در چنین مواردی یکی از گزینه‌هایی که مطرح می‌شود، به‌رهن‌گذارند مطالبات قطعی راهن است. این مطالبات اگرچه عین معین نیست، گاه در عالم تجارت از چنان اعتبار و اطمینانی برخوردار است که تأمین‌کننده مالی با فراغ‌بال و طیب‌خاطر آنها را به‌عنوان تضمین می‌پذیرد.

با این حال، مشکل عمده‌ای که وجود دارد، ماده ۷۷۴ قانون مدنی است که رهن دین را باطل می‌داند. صرف‌نظر از مباحث فقهی مترتب بر این موضوع که در قسمت بعدی این مقاله به اجمال بررسی خواهد شد، عده‌ای در تأیید بطلان رهن دین گفته‌اند: «هدف از رهن این است که طلبکار به وصول حق خود مطمئن شود و اگر نتواند آن را از بدهکار بگیرد، نمی‌تواند از محل وثیقه استیفا کند. پس چگونه می‌توان دینی را که وصول آن مورد تردید است، وثیقه دین دیگر قرار داد؟»^۲. این استدلال اگرچه ممکن است در روابط تجاری گذشته‌های دور قابل دفاع بوده باشد، به‌نظر می‌رسد در دنیای امروز جایگاهی ندارد. چراکه اولاً ممکن است اعتبار و قطعیت مطالبات، نه فقط از عین معین کمتر نباشد، بلکه ارزش آن به دلیل اعتبار بودن، حتی از هر عین معینی که بتوان در مقابل دین مدیون به‌وثیقه‌گذار، بیشتر هم باشد؛ ثانیاً امروزه روش‌های متعددی وجود دارد که مرتبه‌ن می‌تواند از امکان وصول مطالبات خود از محل مطالبات قطعی مدیون، اطمینان

۱. شکر، ۱۳۹۰، ص ۷۸.

۲. کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۵۴۴.

حاصل نماید. به‌عنوان مثال، ممکن است مطالبات مزبور در حسابی نزد بانکی ثالث واریز شود و در طول مدتی که وثیقه قرار گرفته است، مسدود گردد. بنابراین، مشخص است که چنین دلایلی نمی‌تواند مستمسک مناسبی برای رد جواز رهن دین قرار گیرد.

به دلیل ضرورت استفاده از نظام حقوقی رهن دین و به‌رسمیت شناختن آن در راستای پیشبرد اقتصاد و روابط تجاری است که قانون‌گذار به‌صورت پراکنده در قوانین و دستورالعمل‌های گوناگون، بعضاً به‌رهن‌گذار درآمدهای آتی، مطالبات و اسناد تجاری را که همگی از مصادیق رهن دین می‌باشند، به‌رسمیت شمرده است. به‌عنوان مثال، قانون تسهیل اعطای تسهیلات بانکی و کاهش هزینه‌های طرح و تسریع در اجرای طرح‌های تولیدی و افزایش منابع مالی کارایی بانک‌ها (مصوب ۱۳۸۶) در ماده ۱ خود، اعطای تسهیلات بانکی را در عوض به‌رهن گرفتن «درآمدهای آتی» همان پروژه امکان‌پذیر می‌داند. نمونه دیگر آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی (مصوب ۱۳۹۴/۹/۲۲) است که در ماده (۴) خود انواع تضامین معتبر را نام برده و در جزء (ث) «مطالبات قطعی» را نیز در این زمره برشمرده است.

۴. بررسی زمینه‌ها و سابقه فقهی رهن دین

بیشتر فقهایی که رهن دین را باطل دانسته‌اند، کسانی هستند که قبض عین مرهونه را شرط صحت عقد رهن به‌شمار می‌آورند. به‌عنوان مثال، علامه حلی در تذکره و شهید ثانی در *مسالك/الفهام قبض* را شرط صحت دانسته و لذا رهن دین را صحیح ندانسته.^۱ با این حال، «در فقه امامیه بطلان رهن دین از سوی بسیاری از محققان پذیرفته نشده است»^۲. به‌طور کلی می‌توان گفت در خصوص رهن دین سه نظر در بین فقها وجود دارد:

«بعضی از فقیهان بر این عقیده اند که عقد رهن با ایجاب و قبول کامل می‌شود و قبض هیچ‌گونه تأثیری در صحت یا لزوم این عقد ندارد. بنابراین بحث قبض در مورد آثار عقد رهن مطرح می‌شود، نه در مورد انعقاد آن. بر اساس نظریه دوم اگرچه عقد با ایجاب و قبول واقع می‌شود»

۱. کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۵۴۴.

۲. کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۵۴۴.

۳. آنچه در اینجا از کتاب دوره عقود معین (۴) از آقای کاتوزیان آورده شده است، در حقیقت نقل قول ایشان از زبان طرفداران ممنوعیت رهن دین است. هر چند ایشان نیز در نهایت با توجه به ماده ۷۷۴، امکان رهن دین را در حقوق موضوعه ناممکن می‌دانند، اگرچه تلاش‌هایی نیز در جهت محدود نمودن قلمرو تفسیر این ماده انجام داده‌اند.

شود ولی مادامی که قبض انجام نشده است، این عقد از ناحیه دو طرف عقد جایز است و راهن نه تنها می‌تواند از اقباض مال مرهونه امتناع ورزد بلکه قبل از قبض اختیار انجام معاملات معارض از جمله بیع را داراست و در این صورت عمل راهن دلالت بر قصد وی بر به هم زدن عقد رهن خواهد نمود. نظر سوم که نقشی موثرتر برای قبض در عقد رهن قائل است قبض عین مرهونه را از ارکان عقد رهن و از شرایط صحت آن به شمار می‌آورد. بعضی از فقها بر این نظریه سوم ادعای اجماع نموده‌اند^۱. همان‌طور که مشخص است، در دو نظریه اخیر، قبض در عقد رهن جایگاه بسزایی دارد. بنابراین، برای بررسی بهتر موضوع، لازم است دلایل کسانی که قبض را شرط صحت رهن می‌دانند، به اختصار مرور کنیم:

«یکی از استدلال‌هایی که توسط قائلین به "شرط صحت" بودن قبض مطرح می‌گردد، یک دلیل لفظی است. این فقها از اهل لغت نقل نموده‌اند که مسمای رهن بدون قبض تحقق پیدا نمی‌کند. ضعف این ادعای لفظی واضح است؛ به لحاظ اینکه لفظ رهن مانند سایر الفاظ عقود است و متضمن بر امری خارج از ایجاب و قبول نیست»^۲. همچنین، وقتی همین فقها بر این اعتقاد هستند که دوام قبض در صحت عقد رهن تأثیری ندارد، روشن می‌نماید که خود قبض نیز نباید در صحت عقد مؤثر باشد، زیرا شرطی که صحت عقد را تأمین می‌کند، باید تا انتها وجود داشته باشد تا بتوان عقد را صحیح دانست.

دلیل دیگری که در این زمینه آورده شده، حدیثی از امام جعفر صادق است که می‌فرماید: «لارهن الا مقبوضا». فقهایی که معتقدند قبض شرط صحت است، با استناد به این حدیث استدلال می‌نمایند که بدون قبض، عقد رهن صحیح نیست. «به این استدلال چنین پاسخ داده می‌شود که اولاً در بین مفاهیم، مفهوم وصف چندان قابل استناد نیست و سند این حدیث نیز ضعیف است. از طرف دیگر، احتمال دارد منظور از حدیث، غیرقابل اطمینان بودن رهن غیرمقبوض باشد و نه اینکه برای انعقاد عقد رهن، شرط قبض بنماید»^۳.

علاوه بر موضوع «قبض»، «عین بودن» مال مرهونه نیز یکی از دلایلی است که برخی فقها به استناد آن رهن دین را باطل می‌دانند. به اعتقاد این افراد، یکی از اوصاف مال مرهونه این

۱. کریمی، ۱۳۷۶، صص ۲۴-۲۳.

۲. کریمی، ۱۳۷۶، صص ۲۴-۲۳.

۳. کریمی، ۱۳۷۶، ص ۲۵.

است که عین باشد و لذا رهن دین را باطل دانسته‌اند. یکی از استدلال‌هایی که در تأیید این موضوع آورده شده، این است که هدف از عقد رهن اطمینان‌بخشی به مرتهن است که در صورت عدم ایفای تعهدات قراردادی از سوی مدیون، وی می‌تواند با فروش مال مرهونه، طلب خود را استیفا نماید و اگر مال مرهونه عین نباشد، چنین چیزی امکان‌پذیر نیست. در حقیقت این دسته از فقها استیفای حقوق از محل مال مرهونه را به‌طور سنتی در «فروش» آن می‌بینند. همان‌طور که قبلاً هم در این زمینه گفته شد، چنین استدلالی ساده‌لوحانه به‌نظر می‌رسد، چراکه امروزه مکانیزم‌هایی برای استیفای حقوق از محل دیون وجود دارد؛ به‌عنوان مثال، افتتاح حساب امانی نزد بانک ثالث.

با وجود دیدگاه‌های یادشده در خصوص لزوم عین بودن مال مرهونه و شرط قبض در صحت آن و در نتیجه بطلان رهن دین، «از عبارات برخی از فقهای معاصر چنین برمی‌آید که لزوم عین بودن رهن به‌لحاظ قابلیت قبض آن و عدم جواز رهن مال کلی، نه تنها مورد اتفاق فقهای امامیه نمی‌باشد، بلکه در جهت خلاف آن نیز استدلال شده است. این عده از فقها هنگامی که درباره رهن دین سخن می‌گویند، بر این دیدگاه‌اند که بنا بر احتیاط، رهن دین و نیز رهن کلی فی‌الذمه پیش از قبض آن جایز نیست»^۱.

با عنایت به مطالب یادشده، به‌نظر می‌رسد قانون مدنی در انطباق با نظر فقهای که به دلایل گفته‌شده رهن دین را باطل می‌دانند، اقدام به تصویب ماده ۷۷۴ نموده است. این ماده کاملاً روشن و قاطع است و لذا خلاف آن نمی‌توان تفسیری نمود و چاره‌ای نیست جز این که قائل باشیم تازمانی که این ماده اصلاح نشود، رهن دین از نظر حقوق مدنی باطل است، مگر اینکه قانون خاصی مواردی از آن را تحت شرایطی مجاز اعلام نماید.

با توجه به تشخیص لزوم اعتباربخشی به رهن دین به‌منظور تسهیل روابط بانکی و پیشرفت اقتصاد، به‌نظر می‌رسد، امروزه قانون‌گذار به سمت شناسایی نظام حقوقی رهن دین قدم برمی‌دارد؛ به‌عنوان مثال، قانون تسهیل اعطای تسهیلات بانکی و کاهش هزینه‌های طرح و تسریع در اجرای طرح‌های تولیدی و افزایش منابع مالی و کارایی بانک‌ها (مصوب ۱۳۸۶) در ماده (۱) خود مقرر می‌دارد: «به منظور تسریع، تسهیل و تقویت سرمایه‌گذاری در طرح‌های تولیدی

۱. شکر، ۱۳۹۰، ص ۸۴.

(اعم از کالا یا خدمت)، دریافت وثیقه خارج از ارزش دارایی و عواید آتی طرح از گیرندگان تسهیلات که توان مجری و توجیه اقتصادی، فنی و مالی و قابل ترهین طرح آنها به تأیید بانک می‌رسد، توسط بانک‌های عامل ممنوع است». همان‌طور که مشخص است، قانون‌گذار در این ماده دریافت وثیقه از «عواید آتی» طرح را مجاز دانسته است. عواید آتی در حقیقت مطالبات کنونی است که همان «دین» می‌باشد. مثال دیگر در این زمینه، آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی مصوب ۱۳۹۴ است که در ماده ۴ خود وقتی انواع تضمین مجاز را برمی‌شمرد، در بند (ث) از «گواهی خالص مطالبات قطعی تأییدشده قراردادها» نام می‌برد و در حقیقت بدین وسیله رهن دین را در این خصوص مجاز می‌شمرد.

۵. رهن اسناد تجاری و مقایسه آن با رهن دین

اسناد تجاری، از قبیل چک، سفته، برات و مانند آن، از گذشته دور بین تجار شناخته شده بودند و نقش آنها در مبادلات تجاری انکارناپذیر است. این اسناد امروزه از سوی تجار در معاملات تجاری، به‌عنوان وثیقه دین به کار می‌روند؛ بدین معنا که «بانک، تاجر یا شخصی سند تجاری را نزد بانک، تاجر یا شخص دیگری برای تضمین دین، تعهد خسارت احتمالی، تعهد حسن انجام کار و کسب اعتبار به وثیقه و رهن می‌گذارد تا اگر وثیقه‌گذار و راهن تعهد خود را انجام ندهد، وثیقه‌گیر و مرتهن طلب خود را از سند تجاری که برای وثیقه انجام تعهد نزد اوست، وصول نماید و طلب خود را از آن برداشت نماید»^۱.

گفتنی است، بررسی رهن اسناد تجاری در اینجا به این دلیل دارای اهمیت است، که به‌نظر می‌رسد امروزه قانون‌گذار با موضوع رهن اسناد تجاری کنار آمده و با آن آشناست، به‌طوری‌که پذیرفتن این اسناد به‌عنوان وثیقه در شرکت‌ها و نهادهای دولتی (به موجب آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی مصوب ۱۳۹۴ و پیش از آن آیین‌نامه تضمین برای معاملات دولتی مصوب ۱۳۸۲) و بانک‌ها کاملاً رایج است. این درحالی است که اگرچه اسناد تجاری به‌عنوان مال شناخته می‌شوند و لذا رهن آنها رهن دین محسوب نمی‌شود و از این حیث با دیون و مطالبات متفاوت‌اند و در مقایسه با دین حتی قابل قبض می‌باشند و عینیت نیز دارند، اما قبض و مالیت آن

۱. ستوده تهرانی، ۱۳۷۴، ص ۵۶.

با توجه به اعتباری بودن ماهیت آن، متفاوت از سایر اعیان است. به بیان بهتر، در رهن اسناد تجاری، «راهن در واقع چیزی جز سند تجاری (برگه برات، سفته و چک) را در تصرف مرتهن قرار نمی‌دهد و محل آن نزد خود یا برات‌گیر و یا غیره باقی می‌ماند و در مواردی حتی ممکن است محل نیز در اختیار راهن، برات‌گیر یا غیره قرار نگرفته باشد. لذا توثیق اسناد تجاری با عقد رهن مدنی با مشکل قبض مورد توثیق یا عین مرهونه مواجه می‌شود»^۱.

اکنون این پرسش مطرح است که با تفاسیر بالا چرا نظام قانونی ما در مقایسه با رهن دین، نسبت به رهن اسناد تجاری با پذیرفتن «مال» بودن این اسناد، انعطاف بهتری نشان داده است؟ و آیا می‌توان از عواملی که در توفیق پذیرش رهن اسناد تجاری مؤثر بوده‌اند، برای استدلال در امکان پذیرش رهن دین نیز استفاده نمود؟ ابتدا برخی دلایلی را که به نظر می‌رسد در پذیرش رهن اسناد تجاری مؤثر بوده‌اند، به اختصار برمی‌شماریم:

- در رهن اسناد تجاری، برگه سند برای به قبض دادن وجود دارد. لذا می‌توان تفسیر نمود که امکان قبض مال مرهونه که از شرایط صحت رهن می‌باشد، حاصل شده است. حتی در شرایطی هم که سند تجاری عملاً به قبض مرتهن درنیاید، امکان چنین قبضی به خودی خود، در استدلال به نفع پذیرش رهن اسناد تجاری، مؤثر است.
- برگه سند به‌عنوان «عین»، در مقابل «دین» قرار می‌گیرد. اگرچه برگه سند به خودی خود صرفاً یک کاغذ است و قابل اعتنا نیست، اما چون نماینده اعتباری وجهی است که ارزش مالی دارد، قابل دفاع می‌باشد. لذا می‌توان گفت وصف عین بودن نیز در آن محقق است.
- اسناد تجاری، از قبیل سفته و برات، از دوران گذشته و به‌طور سنتی بین تجار کاربرد داشته و به وثیقه داده می‌شده که این موضوع عرفی را در این زمینه ایجاد کرده است که قابل چشم‌پوشی نیست. لذا قانون‌گذار در هماهنگی با عرف موجود خود را تطبیق داده است و رهن اسناد تجاری را به رسمیت می‌شناسد.
- ممنوعیت صریح مندرج در ماده ۷۷۴، به رهن دین برمی‌گردد و ممنوعیت قانونی مشابهی در خصوص رهن اسناد تجاری وجود ندارد.

۱. باقری اصل، ۱۳۹۲، ص ۷۳.

همان‌طور که مشخص است، دلایل بالا در خصوص رهن دین صدق نمی‌کند. بدیهی است، مفهوم «دین» در مقابل «عین» قرار گرفته است و قبض آن نیز از راه سنتی امکان‌پذیر نیست. همچنین، ممنوعیت صریح قانونی موجود، کار را با دشواری روبرو می‌نماید. باین‌حال دلیل سومی که در بالا برشمرده شد، در خصوص رهن دین نیز صدق می‌کند؛ یعنی همان‌طور که پیشتر اشاره شد، امروزه در مبادلات تجاری اهمیت شناسایی امکان رهن دین در حدی است که نقش مستقیم در رونق تجارت و اقتصاد کشور دارد. در شرایط کنونی، به‌نظر می‌رسد، پایبندی بی‌قید و شرط به برخی استدلال‌های فقهی در خصوص بطلان رهن دین که هیچ‌یک قاطع و بدون ایراد نیستند، با هدف توسعه اقتصادی همخوانی ندارد. چراکه سرمایه‌گذار، اعم از داخلی و خارجی، بدون اینکه بازگشت سرمایه‌اش به خوبی تضمین شود، به صحنه سرمایه‌گذاری ورود نمی‌کند.

۶. فرق بین رهن و وثیقه

یکی از پرسش‌های مهمی که در این مقطع لازم است مورد بررسی قرار گیرد، این است که آیا اساساً بین مفهوم «رهن» و «وثیقه» تفاوتی وجود دارد؟ برخی این دو واژه را به یک معنا به‌کار می‌برند و برخی معانی متفاوتی برای آنها قائل هستند. در قدم اول برای بررسی موضوع، به معنای لغوی هر کدام از این واژه‌ها می‌پردازیم: معنای لغوی رهن: همان‌طور که پیشتر هم گفته شد، در لغت‌نامه دهخدا رهن مصدر یا اسم شیء مرهون و در لغت به معنی مطلق حبس است. این واژه در لغت به معنای ثبات و دوام و همچنین به معنای گرو کردن چیزی را نزد کسی می‌باشد. معنای لغوی وثیقه: در فرهنگ معین در معنای وثیقه نوشته شده است: مؤنث وثیق، عهدنامه، گروبی. همان‌طور که مشخص است، هر دو واژه از نظر لغوی به معنای «گرو گذاشتن» و «گرو» هستند، لذا تفاوتی از این نظر بین آن دو نیست.

تعریف حقوقی رهن قبلاً گفته شد. در تعریف حقوقی وثیقه دکتر جعفری لنگرودی گفته است: «وثیقه مالی است که برای استحکام اجرای تعهد از جانب متعهد به متعهدله سپرده می‌شود و یا خود تعهدی است که به موجب آن برای متعهدله اطمینان به ایفای تعهد حاصل می‌گردد». بنابراین، وثیقه نیز از سوی متعهد در قبال تعهدی که دارد، در اختیار ذی‌نفع تعهد قرار می‌گیرد تا

۱. جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶، ص ۵۲۷.

وی بتواند در صورت عدم ایفای تعهد توسط متعهد، برای وصول طلب خود یا ضرری که به وی وارد شده است، از محل وثیقه اقدام نماید.

با اینکه رهن و وثیقه از نظر لغوی و حقوقی معنای مشابهی دارند، اما برخی تلاش کرده‌اند این دو را از هم تفکیک نمایند. به عقیده آنها، می‌توان «برای توثیق و رهن، شرایط و آثار جداگانه‌ای قائل شد و وثیقه را به‌عنوان یک نهاد خاص حقوقی در نظر گرفت. در متون قانونی مختلفی از عنوان توثیق استفاده شده است و اتفاقاً موضوع آنها نیز غالباً اموال غیرمادی است. این مسئله موجب می‌شود تا چنین تصویری در ذهن تقویت شود که توثیق می‌تواند درباره دو شرط عینیت مال مرهونه و شرطیت قبض حائز انعطاف بیشتری نسبت به رهن باشد»^۱. با این حال، این عده هیچ استدلال یا تبیین نظری در خصوص دلیل و مبنای تفکیک بین رهن و وثیقه ارائه نکرده‌اند. اینکه قانون‌گذار در برخی موارد از کلمه وثیقه استفاده کرده و از قضا در برخی موارد موضوع آن اموال غیرمادی بوده است، دلیلی بر این امر نیست که نظام حقوقی رهن و وثیقه با یکدیگر تفاوت دارد. تازمانی که قانون‌گذار این دو را از هم تفکیک نکرده یا اماره‌ای متقن بر اراده قانون‌گذار در تفکیک این دو مفهوم وجود نداشته باشد، نمی‌توان قائل به تفاوت رهن و وثیقه شد.

به نظر می‌رسد، دلیل اصلی که برخی تلاش نموده‌اند رهن و وثیقه را دو مفهوم جداگانه بدانند، تلاش برای تجویز رهن دین است. این عده می‌کوشند که واژه رهن را مختص رهن عین بدانند و همسو با قانون مدنی، رهن دین را باطل اعلام نمایند، اما از طرف دیگر، با توجه به لزوم شناسایی رهن دین در اقتصاد و تجارت، با ایجاد نظام حقوقی جداگانه تحت عنوان وثیقه، رهن دین را تجویز کنند. با این حال، اگرچه امروزه جواز رهن دین از ضروریات است، برای تجویز این نظام، نمی‌توان بدون پشتوانه حقوقی و قانونی نسبت به ایجاد مفهومی مبهم تحت عنوان «وثیقه» اقدام کرد. این در حالی است که حامیان این نظریه از نظر عملی نیز فرقی بین این دو واژه قائل نشده و نتوانسته‌اند به خوبی تبیین نمایند که چه تفاوتی بین شرایط و ضوابط رهن و وثیقه وجود دارد. در حالی که در عمل، در هر دو مورد متعهد (مدیون) مالی را در گرو متعهدله (داین) می‌گذارد تا اگر به تعهد خود عمل نکرد، متعهدله (داین) بتواند از آن محل طلب خود را استیفا نماید.

۱. انصاری، ۱۳۹۱، ص ۱۶.

برخی تفاوت بین وثیقه و رهن را در ثبوت یا عدم‌ثبوت دین می‌دانند. یعنی رهن در خصوص دینی است که وجود دارد و ثابت است، ولی وثیقه گرویی است برای حسن انجام تعهدی در آینده. این افراد در حقیقت وثیقه را در معنای «تضمین» به کار می‌برند. اگرچه در ادبیات عامه ممکن است کلمه وثیقه به جای تضمین به کار برود، ولی در ادبیات حقوقی - قانونی با توجه به اصطلاحات کاملاً روشن در این خصوص، به‌ویژه در آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی (مصوب ۱۳۹۴)، آنچه برای حسن انجام کار یا انجام تعهد به کارفرما به صورت امانت سپرده یا به بیان دیگر به گرو گذارده می‌شود، تضمین است. افزون بر این، حتی در صورتی که چنین تفکیکی را هم قائل شویم، درهرحال کمکی به موضوع جواز رهن دین نمی‌کند، زیرا در خصوص رهن دین نیز دین مدیون به داین تحقق یافته است، فقط مدیون به جای اینکه در مقابل آن عین معین به رهن بگذارد، مطالباتی را به رهن می‌گذارد.

بر اساس مطالب گفته‌شده، در این تحقیق واژه‌های رهن و وثیقه به یک معنا به کار گرفته شده و تفاوتی بین آن دو، چه از نظر ماهیت حقوقی و چه روال عمل و شرایط و مقررات مربوطه، در نظر گرفته نشده است.

۷. ظرفیت نظام حقوقی ایران برای پذیرش رهن دین

صرف‌نظر از قوانین و مقررات موجود و اینکه آیا قانون‌گذار ما آمادگی شناسایی رهن دین را دارد یا خیر و فارغ از این موضوع که تأیید رهن درآمدهای آتی و تجویز پذیرفتن مطالبات به‌عنوان تضمین، ممکن است نشانگر تمایل قانون‌گذار به پذیرش رهن دین باشد، در این قسمت می‌خواهیم بررسی کنیم که آیا اساساً نظام حقوقی ما تاب پذیرش مفهوم رهن دین را دارد؟ آیا در نظام حقوقی ما می‌توان نسبت به موضوعی که خود هنوز تحقق نیافته است، برای اشخاص حق عینی ایجاد کرد؟ همان‌طور که در قسمت‌های قبل اشاره شد، استدلالی که برخی در رد رهن دین مطرح می‌کنند، عدم قطعیت موجود در رهن دین و امکان لطمه به حقوق مرتهن از این جنبه است که برای مرتهن استیفای حقوق خود از محل دین دشوار است. در پاسخ به این ایراد گفته شده است که امروزه رهن دین از شکل سنتی آن فاصله گرفته است و گاه همین مطالبات و دیون چنان قطعیتی دارد که خود مرتهن ترجیح می‌دهد آن را به رهن بگیرد. گاهی حتی برای

تضمین حقوق مرتهن، فرایندی طراحی می‌گردد که به‌عنوان مثال، مبلغ مطالبات در حساب ثالثی به شکل مسدود یا با دسترسی محدود به نفع مرتهن نگهداری شود.

بر خلاف آنچه تاکنون اشاره شد، در این قسمت به فایده عملی رهن دین یا مطمئن بودن این راه نخواهیم پرداخت، بلکه درصدد بررسی این هستیم که با توجه به اینکه یکی از آثار رهن ایجاد حق عینی برای مرتهن است، آیا از منظر نظام حقوقی ما می‌توان حق عینی برای اشخاص (طلبکار) بر مطالبات و دیون ایجاد کرد؛ با در نظر گرفتن این موضوع که مطالبات و دیون، خود در ماهیت و تعریف دارای قطعیت نیستند.

برای بررسی موضوع مورد بحث، ابتدا باید بدانیم «حق عینی» چیست. «حق عینی حقی است که یک فرد نسبت به عین خارجی دارد که کامل‌ترین آن «حق مالکیت» است، اعم از حق مالکیت نسبت به عین یا منفعت^۱. به بیان بهتر، «حق عینی حقی است که شخص به‌طور مستقیم و بی‌واسطه نسبت به چیزی پیدا می‌کند و می‌تواند از آن استفاده کند»^۲. برای اعمال حق عینی دخالت کس دیگری لازم نیست و اعمال آن نیاز به مطالبه ندارد و اگر کسی بخواهد مانع اعمال حق عینی توسط صاحب آن شود، توسط قانون بازداشته می‌شود و صاحب حق می‌تواند جلوی او را بگیرد. «حق عینی» در برابر «حق دینی» قرار می‌گیرد. «حق دینی حقی است که شخص نسبت به دیگری پیدا می‌کند و به موجب آن می‌تواند انجام دادن کاری را از او بخواهد. صاحب این حق را دائن یا طلبکار و کسی را که ملزم است مدیون یا بدهکار می‌نامند»^۳. صاحب حق دینی با واسطه و توسط مدیون می‌تواند نسبت به اعمال حق خود اقدام کند و در صورت امتناع، وی باید الزام او را از دادگاه بخواهد، لذا نمی‌تواند مستقیم نسبت به اعمال حق خود بر شیء موضوع حق اقدام نماید.

حق عینی و دینی را از سه جنبه می‌توان با هم مقایسه نمود:

«الف) مفهوم و ماهیت: حق عینی توانایی شخص نسبت به شیء خارجی است، اما حق دینی رابطه‌ای اعتباری بین دو شخص (متعهد و متعهدله) است که به موجب آن متعهدله می‌تواند از

۱ کریمی نیا، ۱۳۸۲، ص ۸۵

۲ کاتوزیان، ۱۳۸۱، ص ۱۴

۳ کاتوزیان، ۱۳۸۱، ص ۱۴

متعهد انجام یا ترک کاری را درخواست کند. بنابراین، حق عینی رابطه حقوقی مستقیم بین شخص و شیء است، درحالی که حق دینی رابطه حقوقی بین دو شخص است.

(ب) ارکان: حق عینی تنها دو رکن دارد؛ دارنده حق و مال موضوع حق. اما برای تصور حق دینی وجود سه رکن ضروری است: طلبکار(دائن)، بدهکار(مدیون) و موضوع حق (دین).

(ج) اوصاف: حق عینی در مقایسه با حق دینی از ویژگی‌هایی برخوردار است: ۱. حق عینی مطلق است، یعنی در برابر همه قابل استناد است، درحالی که حق دینی حقی نسبی است و دائن تنها می‌تواند به مدیون مراجعه کند؛ ۲. حق عینی حاوی حق تعقیب است و صاحب حق می‌تواند موضوع حق را از دست هرکس که بیابد، بگیرد؛ ۳. حق عینی متضمن حق تقدم برای صاحب آن است و صاحب حق عینی بر دارنده حق دینی مقدم است.^۱

حال با توضیحات یادشده در خصوص امکان ایجاد حق عینی در رهن عین تردیدی وجود ندارد، اما درباره رهن دین، چگونه می‌توان حق عینی بر دین ایجاد کرد، درحالی که دین، متعلق حق دینی است نه حق عینی. در اینجا باید به کلمه «حق» و تعریف آن دقت کرد. حق در لغت معانی گوناگونی دارد که البته با یکدیگر به نوعی مرتبطاند. حق در لغت دارای چندین معنی، مانند راست کردن سخن، درست کردن وعده، یقین نمودن، ثابت شدن، غلبه کردن به حق، موجود ثابت و نامی از نام‌های خداوند متعال است.^۲ «میرزای نائینی در تعریف حق می‌گوید: «حق عبارت است از سلطه ضعیف بر مال یا منفعت»^۳. بنابراین، حق نوعی سلطه بر متعلق حق (مال یا منفعت) است. نوعی رابطه که بین شخص و مال ایجاد می‌شود». به نظر می‌رسد در مورد متعلق حق باید بین حق به معنای تکلیفی با حق به معنای وضعی تفاوت قائل شد: متعلق حق به معنای اول، همواره یک فعل مادی مانند حق مالک در ائتلاف یا انتفاع، یا فعل حقوقی مانند انتقال و اعراض است. اما متعلق حق به معنای دوم، یک شیء مادی یا اعتباری مانند عین و منفعت است. برخی از فقها که گفته‌اند: متعلق حق، ممکن است عین باشد مانند حق شفعه و حق رهن، یا فعل یا ترک فعل. متعلق حق در معنای اول هنوز در خارج تحقق نیافته بلکه صاحب حق

۱. نعمت الهی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۳.

۲. دهخدا، ص ۹۱۴۲.

۳. (کریمی نیا، ۱۳۸۲، ص ۸۳.

می‌تواند آن را ایجاد کند؛ اما متعلق حق در معنای دوم در خارج وجود دارد^۱. پس حق ممکن است در خصوص امری باشد که هنوز تحقق نیافته، اما تحقق‌پذیر است. لذا وقتی از حق عینی صحبت می‌کنیم، می‌توان تصور کرد که متعلق حق امری است که هنوز تحقق نیافته، ولی توسط صاحب حق تحقق‌پذیر است.

با توجه به توضیحات بالا، می‌توان نتیجه گرفت که اگرچه دین، چنان‌که از اسمش برمی‌آید، مطالبه است و نه عینی که موجود و تحقق یافته باشد، ولی می‌تواند متعلق حق عینی قرار بگیرد^۲؛ پس حقوق ما ظرفیت پذیرش ایجاد حق به نفع اشخاص (طلبکار) را در امری که هنوز تحقق نیافته است، دارد. با این تفسیر، نظام حقوقی ما تاب پذیرش رهن دین را نیز دارد، زیرا مطالباتی که هنوز تحقق نیافته‌اند، به‌عنوان یک حق مسلم قابل‌پذیرش‌اند و ممکن است متعلق حق عینی نیز قرار بگیرد.

از سوی دیگر، ممکن است در استدلال امکان ایجاد حق عینی بر دین به مفهوم وثیقه شخصی تمسک جست. «هر نهادی که به پرداخت دین اصلی کمک کند و وثیقه عینی محسوب نشود، یک وثیقه شخصی است»^۳. استفاده از این نهاد بر اساس اصل آزادی قراردادی امکان‌پذیر است. با این استدلال، رهن دین به وثیقه شخصی نزدیک و امکان ایجاد حق عینی بر دین عملی می‌شود. باین حال، باید این پرسش را در نظر داشت که آیا حقیقتاً رهن دین ایجاد ضمان طولی کرده و به یک وثیقه شخصی شبیه‌تر است یا به نظام حقوقی رهن که ایجاد حق عینی می‌نماید؟ تمسک به مفهوم وثیقه شخصی، شاید بیشتر از این باب باشد که دلیلی در محدود کردن این‌گونه وثایق وجود ندارد و چنانچه در بالا اشاره شد، اصل آزادی قراردادی به این موضوع کمک می‌کند. باین حال، به‌نظر می‌رسد، ماهیت رهن دین به نظام حقوقی رهن، بیشتر نزدیک است.

علاوه بر تفاسیر بالا، به‌نظر می‌رسد حقوق ما از منظر عملی نیز دین را متعلق حق عینی قرارداده است. چنان‌که پیشتر نیز اشاره شد، ارجاعات و استنادات پراکنده قانون‌گذار به رهن دین

۱. نعمت الهی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۳.

۲. لازم به توضیح است که بین «موجود» بودن متعلق حق عینی و «عین» بودن آن تفاوت وجود دارد؛ به این معنا که متعلق حق عینی ممکن است عینی باشد که موجود نیست و در آینده قابلیت ایجاد شدن دارد، اما آنچه در اینجا بحث شده، فرضی است که متعلق حق عینی، نه فقط «موجود» نیست، بلکه در صورت ایجاد، «عین» هم نخواهد بود.

۳. ایزانلو، ۱۳۸۶، ص ۹.

و امکان به‌وثیقه گرفتن مطالبات یا درآمدهای آتی، خود اماره‌ای بر تمایل قانون‌گذار به پذیرش جواز رهن دین و نشان‌دهنده این است که اهمیت رهن دین در اقتصاد امروز و تأثیر آن در مبادات تجاری و تأمین منابع مالی پروژه‌های تجاری، از سوی قانون‌گذار درک شده است. به‌نظر می‌رسد در حال حاضر، لازم است شناسایی اهمیت و لزوم رهن دین به‌صورت آگاهانه‌تری از سوی قانون‌گذار پیگیری شود و قوانین روشن و متقنی در این زمینه صادر کند تا به کلیه ابهاماتی که در این زمینه مطرح می‌شود، پایان بخشد.

نتیجه‌گیری

یکی از نظام‌های مهم و تأثیرگذار حقوقی که امروزه از ماهیت ابتدایی خود جدا شده و با اقتصاد و بازرگانی درآمیخته است، نظام حقوقی رهن است. امروزه رهن دین در اقتصاد و نظام بانکی نقش چشمگیری دارد. پیچیده شدن روابط تجاری و سرمایه‌های کلانی که به‌کار گرفته می‌شود، باعث تغییر مناسبات تجاری ساده گذشته شده و نیاز به اعتبار نظام حقوقی رهن دین را بیش از پیش کرده است. به‌عنوان مثال، در تأمین مالی پروژه‌های عظیم و سرمایه‌بر، ارزش مالی تضامینی که مناسب با قیمت تسهیلات مالی اعطایی باشد، به قدری زیاد است که امکان دارد متقاضی تسهیلات نتواند به اشکال سنتی آن را فراهم کند. در چنین مواردی یکی از گزینه‌هایی که مطرح می‌شود، به‌رهن‌گذارند مطالبات قطعی رهن است. این مطالبات اگرچه عین معین نیست، گاه در عالم تجارت از چنان اعتبار و اطمینانی برخوردار است که تأمین‌کننده مالی با فراغ‌بال و طیب‌خاطر آن را به‌عنوان تضمین می‌پذیرد.

با این حال، مشکل عمده‌ای که وجود دارد، ماده ۷۷۴ قانون مدنی است که رهن دین را باطل می‌داند و این موضوع بر پایه سابقه‌ای است که در فقه در خصوص رهن دین وجود دارد. بیشتر فقهایی که رهن دین را باطل می‌دانند، کسانی هستند که قبض عین مرهونه را شرط صحت عقد رهن می‌دانند. علاوه بر موضوع «قبض»، «عین بودن مال مرهونه نیز یکی از دلایلی است که برخی فقها به استناد آن، رهن دین را باطل می‌شمرند. این افراد عموماً با این استدلال که هدف از عقد رهن، اطمینان بخشی به مرتهن است که در صورت عدم ایفای تعهدات قراردادی توسط مدیون، وی می‌تواند با فروش مال مرهونه طلب خود را استیفا کند و اگر مال مرهونه عین نباشد و به قبض مرتهن درنیاید، چنین چیزی امکان‌پذیر نیست. این استدلال اگرچه ممکن است در روابط تجاری گذشته‌های دور قابل دفاع بوده باشد، به‌نظر می‌رسد در دنیای امروز جایگاهی ندارد؛ زیرا اولاً ممکن است اعتبار و قطعیت مطالبات نه تنها از عین معین کمتر نباشد، بلکه به دلیل اعتبار بودن، ارزش آن حتی از هر عین معینی که بتوان در مقابل دین مدیون به وثیقه گذارد، بیشتر هم باشد. ثانیاً امروزه روش‌های متعددی وجود دارد که مرتهن می‌تواند از امکان وصول مطالبات خود از محل مطالبات قطعی مدیون اطمینان حاصل نماید؛ به‌عنوان مثال، ممکن است مطالبات مزبور در حسابی نزد بانک ثالثی واریز شود و در طول مدتی که وثیقه قرار گرفته

است، مسدود گردد. بنابراین، مشخص است که چنین دلایلی نمی‌تواند مستمسک مناسبی برای رد جواز رهن دین قرار گیرد.

به دلیل ضرورت استفاده از نظام حقوقی رهن دین و به رسمیت شناختن آن به منظور پیشبرد اقتصاد و روابط تجاری است که قانون‌گذار به صورت پراکنده در قوانین و دستورالعمل‌های مختلف، بعضاً به رهن‌گذار درآمدهای آتی، مطالبات و اسناد تجاری را که همگی از مصادیق رهن دین می‌باشند، به رسمیت شمرده است. به عنوان مثال، قانون تسهیل اعطای تسهیلات بانکی و کاهش هزینه‌های طرح و تسریع در اجرای طرح‌های تولیدی و افزایش منابع مالی کارایی بانک‌ها (مصوب ۱۳۸۶) در ماده ۱ خود، اعطای تسهیلات بانکی را در عوض به‌رهن گرفتن «درآمدهای آتی» همان پروژه امکان‌پذیر می‌داند. مثال دیگر آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی (مصوب ۱۳۹۴/۹/۲۲) است که در ماده (۴) خود انواع تضامین معتبر را نام برده و در جزء (ث) «مطالبات قطعی» را نیز در این زمره برشمرده است.

با عنایت به مطالب گفته‌شده، به نظر می‌رسد قانون مدنی در انطباق با نظر فقهای که به دلایل یادشده رهن دین را باطل می‌دانند، به تصویب ماده ۷۷۴ اقدام کرده است. این ماده کاملاً روشن و قاطع است و لذا خلاف آن نمی‌توان تفسیری نمود و چاره‌ای نیست جز این که قائل باشیم رهن دین از نظر حقوق مدنی باطل است، مگر اینکه قانون خاصی مواردی از آن را تحت شرایطی مجاز اعلام کند. با این حال، نظام حقوقی ما تاب پذیرش مفهوم رهن دین را دارد. با اینکه یکی از آثار رهن ایجاد حق عینی برای مرتهن است، اما از منظر نظام حقوقی ما می‌توان حق عینی برای شخص بر مطالبات و دیون نیز ایجاد کرد. به بیان دیگر، اگرچه دین چنان که از اسمش برمی‌آید، مطالبه است و نه عینی که موجود و تحقق یافته باشد، ولی ممکن است متعلق حق عینی قرار بگیرد؛ پس حقوق ما ظرفیت پذیرش ایجاد حق را به نفع طلبکار در امری که هنوز تحقق نیافته است، دارد. با این تفسیر، نظام حقوقی ما تاب پذیرش رهن دین را نیز دارد، زیرا مطالباتی که هنوز تحقق نیافته، به عنوان یک حق مسلم قابل پذیرش بوده‌اند و امکان دارد متعلق حق عینی نیز قرار بگیرد. چنان که پیشتر نیز بیان شد، ارجاعات و استنادات پراکنده قانون‌گذار به رهن دین و امکان به‌وثیقه گرفتن مطالبات یا درآمدهای آتی، خود اماره‌ای بر تمایل قانون‌گذار به پذیرش جواز رهن دین و نشان‌دهنده این است که اهمیت رهن دین در اقتصاد

امروز و تأثیر آن در مبادلات تجاری و تأمین منابع مالی پروژه‌های تجاری از سوی قانون‌گذار درک شده است. به نظر می‌رسد در حال حاضر، لازم است که شناسایی اهمیت و لزوم رهن دین به صورت آگاهانه‌تری از سوی قانون‌گذار پیگیری شود و قوانین روشن و متقنی در این زمینه صادر کند تا به کلیه ابهاماتی که در این زمینه مطرح می‌شود، پایان بخشد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، **دانشنامه حقوقی**، جلد پنجم، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ چهارم، ۱۳۷۶.
۲. ستوده تهرانی، حسن، **حقوق تجارت**، جلد سوم، تهران: نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۳. دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه دهخدا**، جلد ششم.
۴. کاتوزیان، ناصر، **دوره عقود معین (۴)**، حقوق مدنی، عقود اذنی - وثیقه های دین، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم، ۱۳۸۵.
۵. کاتوزیان، ناصر، **دوره مقدماتی حقوق مدنی، اموال و مالکیت**، تهران: نشر میزان، چاپ پنجم، ۱۳۸۱.

قوانین

۶. آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی (مصوب ۱۳۹۴/۹/۲۲).
۷. قانون تسهیل اعطای تسهیلات بانکی و کاهش هزینه های طرح و تسریع در اجرای طرح های تولیدی و افزایش منابع مالی کارایی بانک ها (مصوب ۱۳۸۶).

مقاله

۸. انصاری علی، ذوالفقاری، (سهیل، توثیق اموال غیر مادی در حقوق ایران»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال چهارم، تابستان ۱۳۹۱، شماره ۶.
۹. ایزانلو، محسن، «تعهد به فعل ثالث»، فصلنامه حقوق، سال ۳۷، بهار ۱۳۸۶، شماره ۱.
۱۰. باقری اصل، حیدر، «نقش قبض در توثیق اسناد تجاری»، دوفصلنامه علمی پژوهشی دانش حقوق مدنی، سال دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، شماره ۲.
۱۱. شکری، فریده، «رهن دین در نظام حقوقی ایران»، مجله حقوقی دادگستری (علمی پژوهشی)، سال ۷۵، پاییز ۱۳۹۰، شماره ۷۵.
۱۲. کریمی نیا، محمد مهدی، «حقوق، حق و اقسام حق»، مجله معرفت، مهر ۱۳۸۲، شماره ۷۰.
۱۳. کریمی، عباس، «رهن دین»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، پاییز ۱۳۷۶.
۱۴. نعمت الهی، اسماعیل، «تحلیل فقهی حق عینی و حق دینی و مفاهیم مرتبط»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال دوم، زمستان ۱۳۸۹، شماره ۳.

ب) منابع انگلیسی

Books

15. Amoah, Nana, and Arundhati, Rao, Receivables Management: A Case Study, Journal of the International Academy for Case Studies, 1(2009).
16. Bazinas, Spiro, V., an International Legal Regime for Receivables Financing: Uncitral's Contribution, Duke Journal Of Comparative & International Law, 8(1998).
17. Nations Convention on the Assignment of Receivables in International.